

یادگاران

سہراب عیسیٰ پور

سید احمد معصومی نژاد



انتشارات روایت فتح، ۱۹۷/۲۵۶

معصومی‌نژاد، سید احمد، ۱۳۵۷ -
 یادگاران؛ کتاب سهراب عیسی‌پور / سید احمد معصومی‌نژاد - تهران: انتشارات
 روایت فتح، چاپ اول: ۱۳۹۴، ۱۱۲ ص.
 ISBN: 978-600-330-027-9 ۵۵۰۰۰ ریال
 یادگاران: ۲۸.
 ۱. یادگاران؛ کتاب سهراب عیسی‌پور، ۲. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷.
 ۳. عیسی‌پور، سهراب، ۱۳۴۱-۱۳۷۷، ۴. شهیدان - - ایران - - بازماندگان
 ۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۲۲ DSR۱۶۲۵/۱۸۵ ۲۸ ج.
 ۳۱۵۶۷۷۷ کتابخانه ملی ایران



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یادگاران؛ کتاب سهراب عبدی

سیداحمد معصومی نژاد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

مشاور تألیف: سعید زاهدی، ویراستار: زهره علی عسگری

لیتوگرافی و چاپ: جوان

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۰۲۷-۹، قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

نشانی: میدان فردوسی، سپهبد قرنی، شهید فلاح پور، شماره ۴

«یادگاران» عنوان کتاب‌هایی است که بنا دارد تصویرهایی از سال‌های جنگ را در قالب خاطره‌های بازنویسی‌شده، برای آن‌ها که آن سال‌ها را ندیده‌اند، نشان بدهد. این مجموعه راهی است بر سرزمینی نسبتاً بکر میان تاریخ و ادبیات، میان واقعه‌ها و بازگفته‌ها، خواندن‌شان تنها یادآوری است، یادآوری این نکته که آن مردها بوده‌اند و آن واقعه‌ها رخ داده‌اند؛ نه در سال‌ها و جاهای دور، در همین نزدیکی.

جوز، سرتاسر دارد و آرزوهای دور و دراز. چه رسد به آن که رزمی کار هم باشد. هر آرزویش بلند است، هم همتش. سهراب می‌خواست استاد بزرگی شود. شبیه به رازی؛ قهرمان کونگ‌فو. خیلی هم تلاش می‌کرد. خیلی‌ها هم امیدوار بودند به «اهایی» برسد، اما وقتی عاشق شد، راهش عوض شد. همه چیزش، عملاً، فکر و هدفش و زندگی کردنش. وقتی عاشق خمینی شد، جهل دیگری شد.

جوانی که می‌توانست مثل دیگر شاگردان میرزایی برود خارج، اما نرفت. ماند و در زیرزمین‌های مسجدها باشگاه راه انداخت. بچه‌ها را جمع کرد توی مسجد و بعد راهی جبهه آورد. خودش بیش‌تر از بچه‌های باشگاه، جبهه می‌رفت. می‌گفت «زین‌نفس» مهم‌تر از زدن حریفه. نفست رو که بزنی، حریفت خودش زمین‌مورده‌ت می‌شه.» جنگ که تمام شد، راهش را ادامه داد. این بار هم بچه‌ها را همراه آورد نه بزن بهادر.

جنگ برای ما تمام شده بود، اما برای او نه. او که هنوز آثار جنگ در بدنش بود. همین آثار، بارها او را به بیمارستان کشاند. هرچند نتوانست پابیندش کند. آثاری که بند پایش را از زمین گسست و او را در شب قدر به آسمان کشاند؛ بعد از چهارده روز کما.